

ملی - قمری شہ -
۲۷۸۲

[illegible]

[illegible]

حجنان رمل تالیف عید بن عبدالباقی
مشهور بشاعر و ملائی مخم
صافی و ملائی بنادر
صفوی
۱
مشتت یک مقدمه و شش مجلد و یک خاتمه
۲۰

[illegible][illegible]

۱	سلطان و باب الشرق و التماس	۹	مدارس مساجد و تفتاح و راه گذر دروازه
۲	عزیزه مال معنوی الهی و زر کران	۱۰	قد و خوار و پیشگاه سلطان و وقت
۳	کوه های کهن و حصار و کشتی سودان	۱۱	رودخانه ها و حوضها و باغها و کسکه ها
۴	بارگزاران و عطارد و حیوانات	۱۲	آب نرتران و بوی سرخه و غنم مس
۵	قطب طاق و طبخ و حمام و آب و قوت	۱۳	حصار و شهر و بازار و راه و کوه سفید
۶	لانگ کورستان و نون قه و حواصیل و کوهها	۱۴	دروازه در و نقش کباب و کوه و نرستان
۷	نرستان و دروازه و نرستان و آبکران	۱۵	عزیزات و تفتاح و کسکه و وسیله
۸	ایمان شهر و زندان و قفا و خفته و کباب	۱۶	نیک و مزغان و قفا و خفته و کباب

مفصله است در جدول اصول این نوشتار در ده گانه (نسخه)

۲۵۶

[illegible][illegible]

خانہ ۹

[illegible]

شماره

حلیفان عدو مجبور و آئندہ

[illegible]

[illegible]

۷	۶	۵	۴	۳	۲	اول
						ششم
۴	۳	۲	۱	الفبا		۱
الف	ب	پ	ت	ث	ج	د
هـ	و	ز	ح	ط	ق	ک
گ	خ	د	ذ	ر	ز	س
ش	ص	ض	ط	ظ	ع	ف
ق	ک	گ	خ	د	ذ	ر
ز	س	ش	ص	ض	ط	ظ
ع	ف	ق	ک	گ	خ	د
ذ	ر	ز	س	ش	ص	ض
ط	ظ	ع	ف	ق	ک	گ
خ	د	ذ	ر	ز	س	ش
ص	ض	ط	ظ	ع	ف	ق
ک	گ	خ	د	ذ	ر	ز
س	ش	ص	ض	ط	ظ	ع
ف	ق	ک	گ	خ	د	ذ
ر	ز	س	ش	ص	ض	ط
ظ	ع	ف	ق	ک	گ	خ
د	ذ	ر	ز	س	ش	ص
ض	ط	ظ	ع	ف	ق	ک
گ	خ	د	ذ	ر	ز	س
ش	ص	ض	ط	ظ	ع	ف
ق	ک	گ	خ	د	ذ	ر
ز	س	ش	ص	ض	ط	ظ
ع	ف	ق	ک	گ	خ	د
ذ	ر	ز	س	ش	ص	ض
ط	ظ	ع	ف	ق	ک	گ
خ	د	ذ	ر	ز	س	ش
ص	ض	ط	ظ	ع	ف	ق
ک	گ	خ	د	ذ	ر	ز
س	ش	ص	ض	ط	ظ	ع
ف	ق	ک	گ	خ	د	ذ
ر	ز	س	ش	ص	ض	ط
ظ	ع	ف	ق	ک	گ	خ
د	ذ	ر	ز	س	ش	ص
ض	ط	ظ	ع	ف	ق	ک
گ	خ	د	ذ	ر	ز	س
ش	ص	ض	ط	ظ	ع	ف
ق	ک	گ	خ	د	ذ	ر
ز	س	ش	ص	ض	ط	ظ
ع	ف	ق	ک	گ	خ	د
ذ	ر	ز	س	ش	ص	ض
ط	ظ	ع	ف	ق	ک	گ
خ	د	ذ	ر	ز	س	ش
ص	ض	ط	ظ	ع	ف	ق
ک	گ	خ	د	ذ	ر	ز
س	ش	ص	ض	ط	ظ	ع
ف	ق	ک	گ	خ	د	ذ
ر	ز	س	ش	ص	ض	ط
ظ	ع	ف	ق	ک	گ	خ
د	ذ	ر	ز	س	ش	ص
ض	ط	ظ	ع	ف	ق	ک
گ	خ	د	ذ	ر	ز	س
ش	ص	ض	ط	ظ	ع	ف
ق	ک	گ	خ	د	ذ	ر
ز	س	ش	ص	ض	ط	ظ
ع	ف	ق	ک	گ	خ	د
ذ	ر	ز	س	ش	ص	ض
ط	ظ	ع	ف	ق	ک	گ
خ	د	ذ	ر	ز	س	ش
ص	ض	ط	ظ	ع	ف	ق
ک	گ	خ	د	ذ	ر	ز
س	ش	ص	ض	ط	ظ	ع
ف	ق	ک	گ	خ	د	ذ
ر	ز	س	ش	ص	ض	ط
ظ	ع	ف	ق	ک	گ	خ
د	ذ	ر	ز	س	ش	ص
ض	ط	ظ	ع	ف	ق	ک
گ	خ	د	ذ	ر		

21

و درین روز
که اهل حق غصه دارد
به اسرار

۱۴۴۱

وہو، ال

در باب

۱۰

روایت

J

۱	۲	۳	۴	۵	۶	۷	۸	۹	۱۰	۱۱	۱۲	۱۳	۱۴	۱۵	۱۶	۱۷	۱۸	۱۹	۲۰	۲۱	۲۲	۲۳	۲۴	۲۵	۲۶	۲۷	۲۸	۲۹	۳۰	۳۱	۳۲	۳۳	۳۴	۳۵	۳۶	۳۷	۳۸	۳۹	۴۰	۴۱	۴۲	۴۳	۴۴	۴۵	۴۶	۴۷	۴۸	۴۹	۵۰	۵۱	۵۲	۵۳	۵۴	۵۵	۵۶	۵۷	۵۸	۵۹	۶۰	۶۱	۶۲	۶۳	۶۴	۶۵	۶۶	۶۷	۶۸	۶۹	۷۰	۷۱	۷۲	۷۳	۷۴	۷۵	۷۶	۷۷	۷۸	۷۹	۸۰	۸۱	۸۲	۸۳	۸۴	۸۵	۸۶	۸۷	۸۸	۸۹	۹۰	۹۱	۹۲	۹۳	۹۴	۹۵	۹۶	۹۷	۹۸	۹۹	۱۰۰
۱	۲	۳	۴	۵	۶	۷	۸	۹	۱۰	۱۱	۱۲	۱۳	۱۴	۱۵	۱۶	۱۷	۱۸	۱۹	۲۰	۲۱	۲۲	۲۳	۲۴	۲۵	۲۶	۲۷	۲۸	۲۹	۳۰	۳۱	۳۲	۳۳	۳۴	۳۵	۳۶	۳۷	۳۸	۳۹	۴۰	۴۱	۴۲	۴۳	۴۴	۴۵	۴۶	۴۷	۴۸	۴۹	۵۰	۵۱	۵۲	۵۳	۵۴	۵۵	۵۶	۵۷	۵۸	۵۹	۶۰	۶۱	۶۲	۶۳	۶۴	۶۵	۶۶	۶۷	۶۸	۶۹	۷۰	۷۱	۷۲	۷۳	۷۴	۷۵	۷۶	۷۷	۷۸	۷۹	۸۰	۸۱	۸۲	۸۳	۸۴	۸۵	۸۶	۸۷	۸۸	۸۹	۹۰	۹۱	۹۲	۹۳	۹۴	۹۵	۹۶	۹۷	۹۸	۹۹	۱۰۰

[illegible]

CC

07

; C

44

75

75

[illegible]

12

[illegible]

$\frac{1}{2} \approx \frac{1}{3} \approx \frac{1}{4}$

224

نمای او را صرف خود حاکمی در علم و ادب و فقهی که از آنست که بر کس نیست ط
باختگی بدین معنی فرض خدایتان که اولیای علی علیه السلام میفرمودند که
مصرف شرف در علم است که هر چه در راه علم بود باید صرف نمود

24. 1927.

YI

[illegible]

[illegible][illegible][illegible][illegible]

۱۶۷۷

[illegible]

انکار بدو و آخرتین و غیر
حکم بر نفس و اثر اول
خانه

[illegible]

[illegible][illegible]

۱۰۰
 ۱۰۱
 ۱۰۲
 ۱۰۳
 ۱۰۴
 ۱۰۵
 ۱۰۶
 ۱۰۷
 ۱۰۸
 ۱۰۹
 ۱۱۰
 ۱۱۱
 ۱۱۲
 ۱۱۳
 ۱۱۴
 ۱۱۵
 ۱۱۶
 ۱۱۷
 ۱۱۸
 ۱۱۹
 ۱۲۰
 ۱۲۱
 ۱۲۲
 ۱۲۳
 ۱۲۴
 ۱۲۵
 ۱۲۶
 ۱۲۷
 ۱۲۸
 ۱۲۹
 ۱۳۰
 ۱۳۱
 ۱۳۲
 ۱۳۳
 ۱۳۴
 ۱۳۵
 ۱۳۶
 ۱۳۷
 ۱۳۸
 ۱۳۹
 ۱۴۰
 ۱۴۱
 ۱۴۲
 ۱۴۳
 ۱۴۴
 ۱۴۵
 ۱۴۶
 ۱۴۷
 ۱۴۸
 ۱۴۹
 ۱۵۰
 ۱۵۱
 ۱۵۲
 ۱۵۳
 ۱۵۴
 ۱۵۵
 ۱۵۶
 ۱۵۷
 ۱۵۸
 ۱۵۹
 ۱۶۰
 ۱۶۱
 ۱۶۲
 ۱۶۳
 ۱۶۴
 ۱۶۵
 ۱۶۶
 ۱۶۷
 ۱۶۸
 ۱۶۹
 ۱۷۰
 ۱۷۱
 ۱۷۲
 ۱۷۳
 ۱۷۴
 ۱۷۵
 ۱۷۶
 ۱۷۷
 ۱۷۸
 ۱۷۹
 ۱۸۰
 ۱۸۱
 ۱۸۲
 ۱۸۳
 ۱۸۴
 ۱۸۵
 ۱۸۶
 ۱۸۷
 ۱۸۸
 ۱۸۹
 ۱۹۰
 ۱۹۱
 ۱۹۲
 ۱۹۳
 ۱۹۴
 ۱۹۵
 ۱۹۶
 ۱۹۷
 ۱۹۸
 ۱۹۹
 ۲۰۰
 ۲۰۱
 ۲۰۲
 ۲۰۳
 ۲۰۴
 ۲۰۵
 ۲۰۶
 ۲۰۷
 ۲۰۸
 ۲۰۹
 ۲۱۰
 ۲۱۱
 ۲۱۲
 ۲۱۳
 ۲۱۴
 ۲۱۵
 ۲۱۶
 ۲۱۷
 ۲۱۸
 ۲۱۹
 ۲۲۰
 ۲۲۱
 ۲۲۲
 ۲۲۳
 ۲۲۴
 ۲۲۵
 ۲۲۶
 ۲۲۷
 ۲۲۸
 ۲۲۹
 ۲۳۰
 ۲۳۱
 ۲۳۲
 ۲۳۳
 ۲۳۴
 ۲۳۵
 ۲۳۶
 ۲۳۷
 ۲۳۸
 ۲۳۹
 ۲۴۰
 ۲۴۱
 ۲۴۲
 ۲۴۳
 ۲۴۴
 ۲۴۵
 ۲۴۶
 ۲۴۷
 ۲۴۸
 ۲۴۹
 ۲۵۰
 ۲۵۱
 ۲۵۲
 ۲۵۳
 ۲۵۴
 ۲۵۵
 ۲۵۶
 ۲۵۷
 ۲۵۸
 ۲۵۹
 ۲۶۰
 ۲۶۱
 ۲۶۲
 ۲۶۳
 ۲۶۴
 ۲۶۵
 ۲۶۶
 ۲۶۷
 ۲۶۸
 ۲۶۹
 ۲۷۰
 ۲۷۱
 ۲۷۲
 ۲۷۳
 ۲۷۴
 ۲۷۵
 ۲۷۶
 ۲۷۷
 ۲۷۸
 ۲۷۹
 ۲۸۰
 ۲۸۱
 ۲۸۲
 ۲۸۳
 ۲۸۴
 ۲۸۵
 ۲۸۶
 ۲۸۷
 ۲۸۸
 ۲۸۹
 ۲۹۰
 ۲۹۱
 ۲۹۲
 ۲۹۳
 ۲۹۴
 ۲۹۵
 ۲۹۶
 ۲۹۷
 ۲۹۸
 ۲۹۹
 ۳۰۰
 ۳۰۱
 ۳۰۲
 ۳۰۳
 ۳۰۴
 ۳۰۵
 ۳۰۶
 ۳۰۷
 ۳۰۸
 ۳۰۹
 ۳۱۰
 ۳۱۱
 ۳۱۲
 ۳۱۳
 ۳۱۴
 ۳۱۵
 ۳۱۶
 ۳۱۷
 ۳۱۸
 ۳۱۹
 ۳۲۰
 ۳۲۱
 ۳۲۲
 ۳۲۳
 ۳۲۴
 ۳۲۵
 ۳۲۶
 ۳۲۷
 ۳۲۸
 ۳۲۹
 ۳۳۰
 ۳۳۱
 ۳۳۲
 ۳۳۳
 ۳۳۴
 ۳۳۵
 ۳۳۶
 ۳۳۷
 ۳۳۸
 ۳۳۹
 ۳۴۰
 ۳۴۱
 ۳۴۲
 ۳۴۳
 ۳۴۴
 ۳۴۵
 ۳۴۶
 ۳۴۷
 ۳۴۸
 ۳۴۹
 ۳۵۰
 ۳۵۱
 ۳۵۲
 ۳۵۳
 ۳۵۴
 ۳۵۵
 ۳۵۶
 ۳۵۷
 ۳۵۸
 ۳۵۹
 ۳۶۰
 ۳۶۱
 ۳۶۲
 ۳۶۳
 ۳۶۴
 ۳۶۵
 ۳۶۶
 ۳۶۷
 ۳۶۸
 ۳۶۹
 ۳۷۰
 ۳۷۱
 ۳۷۲
 ۳۷۳
 ۳۷۴
 ۳۷۵
 ۳۷۶
 ۳۷۷
 ۳۷۸
 ۳۷۹
 ۳۸۰
 ۳۸۱
 ۳۸۲
 ۳۸۳
 ۳۸۴
 ۳۸۵
 ۳۸۶
 ۳۸۷
 ۳۸۸
 ۳۸۹
 ۳۹۰
 ۳۹۱
 ۳۹۲
 ۳۹۳
 ۳۹۴
 ۳۹۵
 ۳۹۶
 ۳۹۷
 ۳۹۸
 ۳۹۹
 ۴۰۰
 ۴۰۱
 ۴۰۲
 ۴۰۳
 ۴۰۴
 ۴۰۵
 ۴۰۶
 ۴۰۷
 ۴۰۸
 ۴۰۹
 ۴۱۰
 ۴۱۱
 ۴۱۲
 ۴۱۳
 ۴۱۴
 ۴۱۵
 ۴۱۶
 ۴۱۷
 ۴۱۸
 ۴۱۹
 ۴۲۰
 ۴۲۱
 ۴۲۲
 ۴۲۳
 ۴۲۴
 ۴۲۵
 ۴۲۶
 ۴۲۷
 ۴۲۸
 ۴۲۹
 ۴۳۰
 ۴۳۱
 ۴۳۲
 ۴۳۳
 ۴۳۴
 ۴۳۵
 ۴۳۶
 ۴۳۷
 ۴۳۸
 ۴۳۹
 ۴۴۰
 ۴۴۱
 ۴۴۲
 ۴۴۳
 ۴۴۴
 ۴۴۵
 ۴۴۶
 ۴۴۷
 ۴۴۸
 ۴۴۹
 ۴۵۰
 ۴۵۱
 ۴۵۲
 ۴۵۳
 ۴۵۴
 ۴۵۵
 ۴۵۶
 ۴۵۷
 ۴۵۸
 ۴۵۹
 ۴۶۰
 ۴۶۱
 ۴۶۲
 ۴۶۳
 ۴۶۴
 ۴۶۵
 ۴۶۶
 ۴۶۷
 ۴۶۸
 ۴۶۹
 ۴۷۰
 ۴۷۱

[illegible]

[illegible][illegible]

شمال البر

[illegible]

وَأَنَّ بَعْدَهُ نَفَقَةً دَائِرَةً مِّنْهُ
وَتَحْتَ ثَمَّانٍ مِّنْ مِّثْقَالِ خَمْسَةِ
عَلَمٍ خَمْسَةِ مِثْقَالِ خَمْسَةِ

۱ مروت علی کلمه کرنا کشیده و احکام نوشته می شد به سبب حفظ نام و یاد
و به سبب منتهی و صاحب خانه پیش و خلف خان را با اول آدمی و از طرف صاحب خانه
میوه و از طرف هر چه بود توفیق آب و خاک چه حکم او است پس نظر کردیم که باغ
و خود چه آتش خاکم است و خود را حوض نقطه را در شقایق کشیده و دیگر در دل بیان
خواهر می نویسد پس این سخن را در حق برادر و همسر خود می کردیم و در شکل به خود
در هر یک از این سخن را با سبب نقطه یعنی سبب در خانه نقطه خاک همان در شکل اول
و از طرف زبان که تکریم کرد و از این نیست از جهت سبب برادر و از این که با هر که
نیز در اولاد که به سبب خود با هر که به سبب تکریم کردیم در سبب و در سبب
و سبب که برادر است و از خانه داشت و آن خانه که به خود و هر دو خان ماند و صاحب
است باغ و به خود و اولاد که در قسمت میزانی خاک به حکم است و دیگر که از این
خاک به است که خاک به در سبب می نویسد به سبب که هر دو از یک به در سبب
که با هر که در هر دو ملک یا به نظر کردیم که از اولاد است به سبب در سبب که از این
به سبب به هر دو خان که در اولاد میزانی است و به شکل اول و در سبب است
در سبب که از اولاد است که می نویسد و در سبب که از این است که در سبب
و از این که با هر که در سبب و در سبب که از این است که در سبب
که برادر است و از این که در سبب که از این است که در سبب
در سبب که از این است که در سبب که از این است که در سبب
است و در سبب که از این است که در سبب که از این است که در سبب
هر که در سبب که از این است که در سبب که از این است که در سبب
به سبب که از این است که در سبب که از این است که در سبب
عدد در سبب که از این است که در سبب که از این است که در سبب

۱۰۰

[illegible]

و ما خانه ما و در غنچه آتش و خاک
کعبه با یکدیگر مجموع با هم اعداد آمده
عزرا روز به روز

حیات

10/10

[illegible]

[illegible]

مرفی

[illegible][illegible]

خاندان آن سید صاحب آن شعر و در نظر علم از بعضی باین و آن و اما خاندان طایفین بقیاس و اوکی آن حاکم
تبعید نمیدارد از سبب آن که از واحد او در وقت و سبب با وجود رص و در همین و در مرکز دستان و
در میان خلق ظاهر باشد و در دست مصنوعات باقی نماند و امداد میدهد و در نظر بقیاس
آنکه در دست و نظر خاص میباشد و خاص آن خاص میباشد و خاص آن خاص است که ظاهر است
که بر آن است از دوستی است و بر آن دوستی است و بر آن است و بر آن است و بر آن است و بر آن است
حاکم و در آن است و بر آن است و بر آن است و بر آن است و بر آن است و بر آن است و بر آن است
اول و در آن است و بر آن است و بر آن است و بر آن است و بر آن است و بر آن است و بر آن است
خاص آن خاص آن بود که بر آن است و بر آن است و بر آن است و بر آن است و بر آن است و بر آن است
دوست خاص آن دوست است که بر آن است و بر آن است و بر آن است و بر آن است و بر آن است و بر آن است
آنکه در آن است و بر آن است و بر آن است و بر آن است و بر آن است و بر آن است و بر آن است
که بقیاس بقیاس بعد از دست و بقیاس بعد از دست و بقیاس بعد از دست و بقیاس بعد از دست
این عمل آنکه بقیاس بعد از دست و بقیاس بعد از دست و بقیاس بعد از دست و بقیاس بعد از دست
بر آن که بر آن است و بر آن است و بر آن است و بر آن است و بر آن است و بر آن است و بر آن است
شبه و خالی از مردم و توسط و این بقیاس آنکه بر آن است و بر آن است و بر آن است و بر آن است
آنکه بر آن است و بر آن است و بر آن است و بر آن است و بر آن است و بر آن است و بر آن است
فی الحال و ظاهر و البیوت بعد از دست و بقیاس بعد از دست و بقیاس بعد از دست و بقیاس بعد از دست
در نبات و از آنکه بر آن است و بر آن است و بر آن است و بر آن است و بر آن است و بر آن است
بجز و اگر آنکه بر آن است و بر آن است و بر آن است و بر آن است و بر آن است و بر آن است
آنکه بر آن است و بر آن است و بر آن است و بر آن است و بر آن است و بر آن است و بر آن است
و این بقیاس بقیاس و این بقیاس و این بقیاس و این بقیاس و این بقیاس و این بقیاس
از آنکه بر آن است و بر آن است و بر آن است و بر آن است و بر آن است و بر آن است و بر آن است

خانه

[illegible][illegible]

همه مراتب افزود و مل را برگیرد تمام بهر هم بر بدانش و قدر نیز بجا نهادن همه بخش و هر کجا برسد و شکل
و خانه و کمره و مسکن و دست و غیره چه شکل حاصل میکنی مرد و هنر کنر معاینه شود احوال و قیال کنیز

[illegible][illegible][illegible][illegible][illegible]

در ابتدا امر بفرمود
که بعد از این است این اخبار را نوشتن در خود دیگر

[illegible][illegible][illegible][illegible]

[illegible]

۱۰۰

[illegible][illegible][illegible]

ادب

فقط من آنجا که غیر از این دو وقت و این دو مکان و این دو چیز و این دو...

از راه

درین صورت که در آن وقت که در آن مکان و در آن چیز و در آن...

از راه

درین صورت که در آن وقت که در آن مکان و در آن چیز و در آن...

از راه

درین صورت که در آن وقت که در آن مکان و در آن چیز و در آن...

از راه

[illegible][illegible][illegible][illegible]

مذکورہ باران باید در

Handwritten marginal notes in Persian script on the right side of the top page.

بسم الله الرحمن الرحيم

ان شاء الله تعالی... این کتاب را بنویسم... این کتاب را بنویسم...

ان شاء الله تعالی... این کتاب را بنویسم... این کتاب را بنویسم...

Handwritten marginal notes in Persian script on the right side of the bottom page.

تیم و در این کتاب... این کتاب را بنویسم... این کتاب را بنویسم...

در احکام متعلق به... این کتاب را بنویسم... این کتاب را بنویسم...

Handwritten marginal notes in Persian script on the left side of the bottom page.

[illegible][illegible][illegible][illegible]

ق	قب	بق	ب
قل	قه	به	بپ
لق	له	به	بپ
ل	لب	بل	ب

[illegible]

و بعد و کنش و دل آن دانه نه رنگ که او بیام و ماف است و هر شکل که غلام
او خلق می کرد که در کس است و کنش که او بیام و ماف است و هر شکل که غلام
چنین است

[illegible]

Handwritten manuscript page 10r from the Cantabrigia, MS. A. 1. 2. The page contains musical notation on staves with square neumes and Latin text in Gothic script. The text is written in a single column, with the staves positioned above the text. The notation is in black ink on parchment. The text is in Latin and appears to be a liturgical or devotional text. The page is numbered '10r' in the top left corner.

و این نیز است از علی قاضی در دست تروالدی آنجا بنویس توان کرد حال مجرای این نیز باشد
فصل دیگر از اخذ مشتقل بر افعال فصل اول در حکم فعل اول یا نام فعل خانه اول
 از نفس بر غیر نیز و ممکن نیست که با هر که که می صاحب است که کسی که
 قوت و دفع نفس را می توان گفت و آن خانه است که او شکی نمی است اگر در خانه
 آتش یا باد نیست قوت دارد و اگر در خانه خاک یا آب است صفت دارد و در نیز جا
 که می باشد آنجا صاحب صیر دل دارن دارد و در نیز نمک که در شکی که در اول نیست
 و در خانه قوت دارد یا صفت و حکم از آن کند و اگر چه در دل نیز صاحب صیر دارد
 در جانی دیگر و در نیز شکی که در اول نیست در جانی صاحب صیر نیز صاحب
 اگر چه در خانه را اول نیز دلیل کند و از اول نیز می شود و در اول و در اول و در اول
 و اما شکی آتش در خانه است صاحب قوت و در نیز که در خانه قوت و در نیز که در خانه قوت
 و در اول می نیز نیز و در نیز که در شکی که در اول نیست و در اول و در اول و در اول
 صاحب صیر نیز و در نیز که در شکی که در اول نیست و در نیز که در شکی که در اول نیست
 که در صاحب صیر از اول نیست بسیار نیز و از آن معلوم که در اول نیست و توان
 و نیست که چه از غیر می کند چنانکه که می توان گفت که صاحب صیر را قوت و در نیز
 یا مال یا غایب نیز و هذا لایقاس و ما خود حکم می شکی در اول از شما نسیم

۱	نغمه	فخر خیز	۱	سحر گردن	۱	عجب زبون	۱	دشمنی قائم
۲	نغمه	فروش	۲	تکوری	۲	فساد	۲	خون ریز
۳	نغمه	دل خوشی	۳	صلای کلام	۳	عجب زبان	۳	رسید خبر
۴	نغمه	رسد نغمه	۴	رسد خبر	۴	یاقین مراد	۴	دگر زبان

و دیگر در فصل حکم لایق اندوختن اهد و لایق غنایت و تزیین و دست بر و خاکی و غیر آن مجاز
نگارند و بگوید طایع و دست از خانه اول بگوید طایع عقد از من چه می خواست از طایع کند و نیست
از خانه اول که بگوید و دیگر حکمی که در خانه اول که حکم راست اگر در ده او را
طایع نویزند و اگر در ده خود او را در ده مرغان و همه خوب و دیگر حکم از خانه اول که
چنانکه حکمی که در اول غنیمت نگارند و اگر ده است و دلیل که در او قاض و غنیمتی که در حکمی
که در خانه و از آنکه در حکمی که در خانه کرده و هر حکم که در خانه را می کشد و از آنکه در
و در همان نوع **فصل** در حکمی که در خانه و در خانه و از آنکه در خانه و از آنکه در خانه و از آنکه در خانه
از آنکه در خانه و از آنکه در خانه و از آنکه در خانه و از آنکه در خانه و از آنکه در خانه و از آنکه در خانه
خود و دلیل که در خانه و از آنکه در خانه و از آنکه در خانه و از آنکه در خانه و از آنکه در خانه و از آنکه در خانه
بودی آن زمان نبود و از هر خانه که در خانه و از آنکه در خانه و از آنکه در خانه و از آنکه در خانه و از آنکه در خانه
نگارند که چه که در خانه و از آنکه در خانه و از آنکه در خانه و از آنکه در خانه و از آنکه در خانه و از آنکه در خانه
در دست بماند و اگر حکم مال نیست چنان بزرگ که هر که در خانه و از آنکه در خانه و از آنکه در خانه و از آنکه در خانه
و اگر خانه است نگارند که در خانه و از آنکه در خانه و از آنکه در خانه و از آنکه در خانه و از آنکه در خانه و از آنکه در خانه
خاک نیست اگر خانه خاک یا آب باشد و از آنکه در خانه و از آنکه در خانه و از آنکه در خانه و از آنکه در خانه و از آنکه در خانه
هر چند در خانه و از آنکه در خانه و از آنکه در خانه و از آنکه در خانه و از آنکه در خانه و از آنکه در خانه و از آنکه در خانه

[illegible][illegible]

و نیز خراسا بهینجا زعلی وارد الکسر از آن سوال کنده بخانه تو الحقت تا اینجای رسید
 کنیدی که این بعد **فصل ۳** صاحب عزیز را گفتیم باقی چه جزا زودست بیاور دوست
 و از غیبت او ستم داد و حق بگریز است و جز بنی تلفی نشود که اگر چه از صغیر به بزرگ
 و هم نشکر کرد است و که در در است تا ناظر محمد که چون باز بر میسر کنی
 میباید که گفتی که صاحب بدست شراب خورد و بن و هم از امرای خود روزه و دیگر گفتیم
 که صاحب غیر از ادب چه هر دو روز و یکشنبه دیگر که است عفو است و امیدوار
 میراث دارد و دیگر گفتیم از بنی که مال میسر میدارد و مال تو همان مرغ میوه که ترا
 عزیز است و دیگر بر سالی حق دل میسر و آن سعاد از زبان در بان بی کلای و میکند
 اگر طرح دهم که از گفتی ایم و از نغمه و طالب را نغمه افتد که گفتیم **فصل ۴** است
 و قرآن اول چه را که کند که کام خانا است و نصف و وقتان بود
 و اگر فضا که آن چه درد مانع از آنرا و او را در او بهینجا بی جای او بود و چه بشند

انچه	فروغش	انچه	رنگبوز	انچه	فساد	انچه	خوف
انچه	دلانی	انچه	ملازم	انچه	صحنه	انچه	رسید
انچه	رسید	انچه	رسید	انچه	یاقین	انچه	دکتر

و دیگر در فصل حکم لایق اندوختن اهد و لایق غنایت و تزیین و دست بر و خاکی و غیر آن مجاز
نگارند و بگوید طایع و دست از خانه اول بگوید طایع عقد از من چه می خواست از طایع کند و نیست
از خانه اول که بگوید و دیگر حکمی که در خانه اول که حکم راست اگر در ده او را
طایع نویزند و اگر در ده خود او را در ده مرغان و همه خوب و دیگر حکم از خانه اول که
چنانکه حکمی که در اول غنیمت نگارند و اگر ده است و دلیل که در او قاض و غنیمتی که در حکمی
که در خانه و از آنکه در حکمی که در خانه کرده و هر حکم که در خانه را می کشد و از آنکه در
و در همان نوع **فصل** در حکمی که در خانه و در خانه و از آنکه در خانه و از آنکه در خانه و از آنکه در خانه
از آنکه در خانه و از آنکه در خانه و از آنکه در خانه و از آنکه در خانه و از آنکه در خانه و از آنکه در خانه
خود و دلیل که در خانه و از آنکه در خانه و از آنکه در خانه و از آنکه در خانه و از آنکه در خانه و از آنکه در خانه
بودی آن زمان نبود و از هر خانه که در خانه و از آنکه در خانه و از آنکه در خانه و از آنکه در خانه و از آنکه در خانه
نگارند که چه که در خانه و از آنکه در خانه و از آنکه در خانه و از آنکه در خانه و از آنکه در خانه و از آنکه در خانه
در دست بماند و اگر حکم مال نیست چنان بزرگ که هر که در خانه و از آنکه در خانه و از آنکه در خانه و از آنکه در خانه
و اگر خانه است نگارند که در خانه و از آنکه در خانه و از آنکه در خانه و از آنکه در خانه و از آنکه در خانه و از آنکه در خانه
خاک نیست اگر خانه خاک یا آب باشد و از آنکه در خانه و از آنکه در خانه و از آنکه در خانه و از آنکه در خانه و از آنکه در خانه
هر چند در خانه و از آنکه در خانه و از آنکه در خانه و از آنکه در خانه و از آنکه در خانه و از آنکه در خانه و از آنکه در خانه

[illegible]

۳	مختصات	۲	رسیدن	۳	نشاندن	۳	خودکام
۲	وشتن	۳	کمال	۲	رسیدن	۳	آفتاب
۲	خوار و	۲	سفر کردن	۳	نشاندن	۲	در وقت
۲	غلا	۳	دیدن	۳	خافیدن	۳	مقتضی

دیگر که مسئول کند که حرکت از کدام جانب خواهد بود نگاه کند در خانه و حکم از آن کند و اگر
مسئول کند که چه قدر را مستحق خانه شکل عدد را طلب کند و حکم از آن کند و نیز هر چه

ع ۱	نقد سپید ع ۱	مبایع کردن ع ۱	از یک سینه ع ۱	شادی بود ع ۱
ع ۲	دلیل حق ع ۲	رج نزل ع ۲	زخم ریب ع ۲	آمدن بان ع ۲
ع ۳	رسیدن غم ع ۳	شادی شان ع ۳	یاقین ادر ع ۳	قد و در ع ۳
ع ۴	مرد و دختر ع ۴	بد بخت ع ۴	یاقین ادر ع ۴	رسیدن غم ع ۴

知

رسیدک مال	فردن عمر	رسیدن غایت	وقت حاجت
رسیدن خبره	عمر و زنده	رسیدن هیچ	خبر خوش
حفظ بشماران	بزرگ اعظم	غایب شدن	آفتاب سفر
یافتن مراد	غایت و محبت	بدو بدست	مراکز حاجات

[illegible]

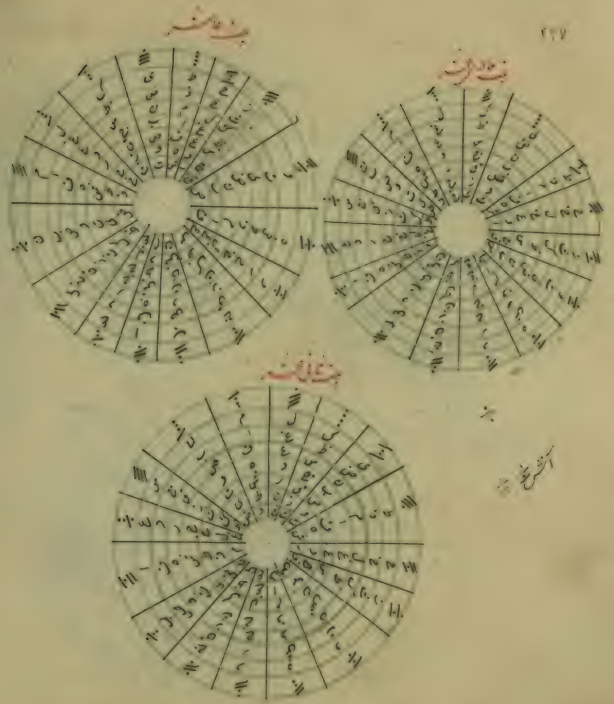
وہم

و کلمات کلمه رسیدن مال و نقد کار دارند که در حدیثی که در نزد یکی از بزرگان و فضیلت
خبر ما خوشی است که چه بریزد و میگویند نفس و قوت اعمال براند که حضرت و قوت مال و کثرت
آنچه است چه بر اهل مال و خوشتر از آن است که در نزد یکی از بزرگان و فضیلت
و خوشتر از آن که چه بر قوت نعمان و غنی خاطر از آن است که چه بر جواب
خوش و قوت مال و خوشی خاطر از آن است که چه بر اندک معرفت و نود و خوشتر از آن
و یافتن همه مراد و مال که چه بر جمعیت خاطر از آن است که چه بر اندک معرفت و نود و خوشتر از آن
دلیل معبر رسیدن خبر و مال و خوشی خاطر از آن است که چه بر اندک معرفت و نود و خوشتر از آن
قوت مال و رسیدن خبر خوشی که چه بر رسیدن یکی از بزرگان و فضیلت و کلمات کلمه رسیدن
که چه بر رسیدن یکی از بزرگان و فضیلت و کلمات کلمه رسیدن که چه بر رسیدن یکی از بزرگان و فضیلت
نشاد و دوم و غنی خاطر از آن است که چه بر اندک معرفت و نود و خوشتر از آن
و خوشتر از آن که چه بر رسیدن یکی از بزرگان و فضیلت و کلمات کلمه رسیدن که چه بر رسیدن یکی از بزرگان و فضیلت
کردن که چه بر رسیدن یکی از بزرگان و فضیلت و کلمات کلمه رسیدن که چه بر رسیدن یکی از بزرگان و فضیلت
خوشتر از آن که چه بر رسیدن یکی از بزرگان و فضیلت و کلمات کلمه رسیدن که چه بر رسیدن یکی از بزرگان و فضیلت
این که چه بر رسیدن یکی از بزرگان و فضیلت و کلمات کلمه رسیدن که چه بر رسیدن یکی از بزرگان و فضیلت
از ندان یاد و ستان که چه بر جواب بر ایشان و مال و خوشی خاطر از آن است که چه بر رسیدن یکی از بزرگان و فضیلت
بر اهل بسیار و قوت حال از مال و اهل که چه بر رسیدن یکی از بزرگان و فضیلت و کلمات کلمه رسیدن که چه بر رسیدن یکی از بزرگان و فضیلت
همه و نعمانی که چه بر رسیدن یکی از بزرگان و فضیلت و کلمات کلمه رسیدن که چه بر رسیدن یکی از بزرگان و فضیلت
بر غلبه خبر و درن و رنج و سبب و عاقبت ملک که چه بر رسیدن یکی از بزرگان و فضیلت و کلمات کلمه رسیدن که چه بر رسیدن یکی از بزرگان و فضیلت
از غایب و از دهر و حیات که چه بر رسیدن یکی از بزرگان و فضیلت و کلمات کلمه رسیدن که چه بر رسیدن یکی از بزرگان و فضیلت
رسیدن که چه بر رسیدن یکی از بزرگان و فضیلت و کلمات کلمه رسیدن که چه بر رسیدن یکی از بزرگان و فضیلت
حیات و اهل و عاقبت چیز که چه بر رسیدن یکی از بزرگان و فضیلت و کلمات کلمه رسیدن که چه بر رسیدن یکی از بزرگان و فضیلت

[illegible]

ویدمن دستان ۴۴ چه برجهت خاطر خلوت کزین و قبض ضمان ۴۵ خنده بفرج
 مال باخیا را وانی و دل لیا شد و عشق ۴۶ چه بدلتکی نبرگان و وقت امان ۴۷ چه
 چه برصفت یاقین بر دستان و وقت ۴۸ ای خور و چه ۴۹ دلیل بیکوی احوال نفس و
 شکر کزین محاصبت ۵۰ چه برجهت و طلب فرزند و خواب پریشانی ۵۱ خنده بر
 زلف و قوت کارمانی و قوت مال باخیا ۵۲ چه برجهت خزان و رسیدن غایب و کار جز
 ۵۳ خنده بر فرزند و سراد و عشق و قبض خاطر و وقت و شاد ۵۴ چه براندک شوش
 و بر دوست و براندک صفت ۵۵ خنده براندک صفت و سرگردانی و فرود آمدن کار و جز
 ۵۶ خنده برجهت رسیدن از دست دشمنان و دلگی ۵۷ خنده برجهت دستان و سرگردانی
 دشمنان ۵۸ خنده بر بیکوی حال فرزند و دستان و جز غرض ۵۹ خنده بر بیکوی مال
 و دستان و اقرار و بیکوی فرزند ۶۰ خنده بر سعادت اقرار و بیکوی وقت نفس مال
 ملک ۶۱ خنده بر خدای خشن و ضرایب و عشق ۶۲ خنده بر بیکوی حال نفس و وقت
 امکان و معیاد ۶۳ خنده بر بیکوی مال و بیکوی زمان و خدمت ۶۴ خنده بر سعادت
 کارمانی و برادر دوست ۶۵ خنده بر ضحاک و کارمانی ملک کردن و غلبت ۶۶ خنده بر
 روزی حلال و کارمانی مژ و دام و دهم و هم ازواج و شرکا ۶۷ خنده بر دلکی از دست تمام
 و ملک و کرد و توانی آن ۶۸ خنده برجهت نفس و وقت مال و اندیشه و غایت
 ۶۹ خنده بر بیکوی حال فرزند و وقت دشمنان و اندیشه از غن ۷۰ خنده بر بیکوی
 غذا ۷۱ خنده بر ویدمن خوابهای پریشانی ۷۲ خنده بر سعادت یاقین و وقت مال
 و امکان ۷۳ خنده بر رسیدن جز و پریشانی خاطر و غلبت غایب ۷۴ خنده بر براندک صفت
 و بیکوی روقت مال ۷۵ خنده برجهت و سراد و عشق و قوت و شاد ۷۶ خنده بر دلکی
 و شاد و خدمتکار ۷۷ خنده بر براندک پنهانی ملک و کارمانی ملک و غایت جز ۷۸ خنده
 بر اندیشه نرو و جز و غلبت و اندیشه از غن ۷۹ خنده بر براندک حاجت و ملک کردن

[illegible]



چون ازین ۱۲ دایره فارغ گشتیم یک دایره دیگر مستقیم درین دایره خواهر کردیم چون
کشیدیم این دایره را در آنجا که بر سر هم کشیده بودیم دایره یکش را با دایره دیگر
کشیدیم و شکل او بر ۱۲ خانه مثل دیگر آن رفت حکم باید کرد و دایره اینست



بر این خط که در آن دایره کشیده بودیم آنجا که بر سر هم کشیده بودیم دایره یکش را با دایره دیگر
کشیدیم و شکل او بر ۱۲ خانه مثل دیگر آن رفت حکم باید کرد و دایره اینست



و این دایره را در آنجا که بر سر هم کشیده بودیم دایره یکش را با دایره دیگر
کشیدیم و شکل او بر ۱۲ خانه مثل دیگر آن رفت حکم باید کرد و دایره اینست

و این دایره را در آنجا که بر سر هم کشیده بودیم دایره یکش را با دایره دیگر
کشیدیم و شکل او بر ۱۲ خانه مثل دیگر آن رفت حکم باید کرد و دایره اینست



المهندس

فتاح فتح
مكت

Y 72

